



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره‌مفیدی

موضوع کلی: تحریف در قرآن

موضوع جزئی: ادله عدم تحریف - دلیل عقلی

سال: سوم

تاریخ: ۱۴ اسفند ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۲۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم مرحوم آقای خوبی می‌فرماید: در مورد قول به تحریف، عقلاً سه احتمال وجود دارد و احتمال چهارمی برای آن متصور نیست. احتمال اول این بود که تحریف قرآن در زمان شیخین واقع شده است، خود این احتمال سه فرض داشت که هر سه فرض آن باطل شد.

### بررسی احتمال دوم:

احتمال دوم این بود که تحریف از ناحیه عثمان واقع شده و در زمان شیخین نبوده است - چیزی در این رابطه بیان نشده که چرا عثمان را از شیخین جدا کرده و به صورت یک احتمال مستقل ذکر شده - مرحوم آقای خوبی می‌فرماید: این احتمال از احتمال اول ضعیف‌تر و مردود است و ادله‌ای را بر رد این احتمال ذکر می‌کنند که عبارتند از:

**اولاً:** در آن زمان اسلام و قرآن در بین مردم و در مناطق مختلف منتشر شده بود و اساساً امکان نداشت چیزی از قرآن کم شود و این با زمان ابتدای بعد از رحلت پیامبر (ص) فرق داشت چون از آن زمان حدود بیست و چند سال گذشته بود و در این مدت فتوحات زیادی صورت گرفته و بلاد اسلامی توسعه پیدا کرده بود و برای حفظ، کتابت، ترویج و یکسان سازی قرآن کارهایی صورت گرفته بود، به هر حال قطعاً کار تحریف قرآن در زمان عثمان به مراتب از زمان شیخین مشکل‌تر بوده و با توجه به انتشار اسلام و قرآن در بین مسلمین چنین چیزی ممکن نبوده است.

**ثانیاً:** اگر تحریف قرآن توسط عثمان واقع شده بود این امر بهترین بهانه برای قتل عثمان بود، مهاجمین به خانه عثمان و کسانی که تصمیم به قتل عثمان گرفته بودند ادله‌ای برای این کار داشتند مثلاً می‌گفتند عثمان با سیره شیخین مخالفت کرده یا اینکه می‌گفتند از بیت المال سوء استفاده کرده و این امور بهانه‌هایی بود که برای قتل عثمان به آن استناد می‌کردند، حال اگر تحریف قرآن توسط عثمان صورت گرفته بود، بهترین بهانه برای اینکه او را مورد تهاجم قرار دهند همین تحریف قرآن بود. در حالی که چنین مطلبی به عنوان دلیل از سوی مهاجمین ذکر نشده و این نشان می‌دهد چنین چیزی در کار نبوده است.

**ثالثاً:** اگر تحریف قرآن توسط عثمان واقع شده بود باید امیرالمؤمنین (ع) بعد از زمان خلافت عثمان این مسئله را به وضع سابق بر می‌گرداند و جلو آن را می‌گرفت و اگر هم حضرت چنین می‌کرد کسی بر ایشان خُرده نمی‌گرفت، بویژه اینکه

علی (ع) نسبت به اموالی که در زمان عثمان مورد سوء استفاده قرار گرفته بود حساسیت شدیدی داشت تا جایی که فرمود: اموال بیت المال را هرچند مهریه زنان شده باشد به بیت المال مسلمین برخواهم گرداند، پس وقتی حضرت این قدر حساسیت داشتند که وضعیت امور را به مسیر صحیح برگرداندند محال بود که چنین حساسیتی را نسبت به قرآن که همه سرمایه مسلمین بوده نداشته باشند لذا اگر قرآن در زمان عثمان و توسط شخص او تحریف می‌شد به طریق اولی امیرالمؤمنین (ع) در باز گرداندن قرآن از تحریف‌ها و تبدیل‌ها تلاش می‌کردند در حالی که ما چنین چیزی از امیرالمؤمنین (ع) مشاهده نمی‌کنیم.

نتیجه اینکه احتمال دوم که قرآن در زمان عثمان و توسط شخص عثمان تحریف شده باشد مردود است.

**سؤال:** چرا امیرالمؤمنین (ع) قرآنی را که خود ایشان جمع آوری کرده بود و در زمان عثمان پذیرفته نشد در زمان خلافت خود به مردم عرضه نکردند؟

**استاد:** اولاً: قرآنی که در زمان عثمان جمع آوری و یکسان سازی شد از حیث آیات و سور با قرآن امیرالمؤمنین (ع) تفاوت نداشته بلکه قرآن موجود نزد علی (ع) مشتمل بود بر بعضی تفاسیر، بیان شأن نزول آیات و تأویلاتی که در مورد آیات قرآن وجود داشت و الا اصل این قرآن همان قرآنی بود که در زمان عثمان جمع آوری شد.

ثانیاً: علت اینکه علی (ع) در زمان خلافتش قرآن خود را به مردم عرضه نکرد این بود که عرضه آن قرآن موجب نزاع و درگیری و اختلاف بین مسلمین می‌شد.

#### **بررسی احتمال سوم:**

احتمال سوم این است که تحریف قرآن توسط شخص دیگری واقع شده باشد، اینکه می‌گوییم تحریف قرآن توسط شخص دیگری واقع شده باشد به این معنی است که این شخص نه در زمان شیخین بوده و نه در زمان عثمان و امیرالمؤمنین (ع) بلکه بعد از زمان خلفاء بوده است. این احتمال فقط در رابطه با یک نفر ادعا شده - این گونه نیست که ما یک احتمال کلی را بیان کنیم و بگوییم بعد از زمان خلفاء یک نفر قرآن را تحریف کرده است - و آن یک نفر هم مشخص است، کسانی که قائل به تحریف‌اند می‌گویند تحریف قرآن توسط حجّاج که برای یاری بنی امیه قیام کرده بود صورت گرفته است، می‌گویند حجّاج آیات زیادی از قرآن را که مربوط به بنی امیه بوده از قرآن حذف کرده و آیاتی را هم به قرآن اضافه کرده و آن را به سراسر بلاد اسلامی فرستاده و سایر قرآن‌ها را جمع کرده و این قرآنی هم که اکنون نزد ماست همان قرآنی است که توسط حجّاج تحریف شده و لذا تحریف در قرآن توسط حجّاج صورت گرفته است؛ مثلاً می‌گویند: اصل آیه «لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِّنَ الْفِ شَهْرِ»، «لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِّنَ الْفِ شَهْرِ یَمْلِكُهَا بَنُو اُمَیَّةٍ وَ لَیْسَ فِیْهَا لَیْلَةُ الْقَدْرِ» بوده به این معنی که یک شب قدر بهتر از هزار ماه است که بنی امیه حاکم باشند و شب قدر در آن هزار ماه نباشد.

این احتمال دو مشکل اساسی دارد؛ یکی اینکه این احتمال مقرون به تحریف به زیاده هم می‌باشد در حالی که اصل ادعا در مورد تحریف به نقیصه است و هیچ کس از مدعیان تحریف، تحریف به زیاده را ادعا نکرده‌اند، بعلاوه در مورد این

آیه‌ای که ذکر شد اشکال این است که هیچ ربطی بین لیلۃ القدر و خلافت بنی امیه وجود ندارد که بخواهند آن را حذف کنند. اما صرف نظر از این دو اشکال، این احتمال از چند جهت مخدوش است:

**اولاً:** حجّاج برای یاری بنی امیه قیام نکرد بلکه یکی از ولات بنی امیه بود که بنی امیه او را برای بعضی از بلاد منصوب کرده بود لذا آن قدر مسلط بر بلاد اسلامی نبوده که همه قرآن‌ها را از بلاد اسلامی جمع آوری کند و قرآنی را که در آن تغییر ایجاد کرده به همه بلاد ارسال کند.

**ثانیاً:** بر فرض هم که این طور بوده که حجّاج همه قرآن‌ها را جمع کرده و قرآنی را که تحریف شده به بلاد اسلامی فرستاده سؤال این است که چگونه ممکن است چنین چیزی با این درجه از اهمیت در هیچ یک از کتب تاریخی نقل نشده باشد، پس اگر چنین چیزی اتفاق می‌افتاد باید در کتب تاریخی نقل می‌شد مخصوصاً بعد از افول قدرت حجّاج و از بین رفتن ترس و وحشتی که از او داشتند، در حالی که در هیچ یک از کتب تاریخی به این مسئله اشاره نشده است.

**ثالثاً:** اساساً به خاطر پراکندگی بلاد اسلامی و کثرت مسلمین و وجود قرآن‌های زیادی که در آن دوران در بین مردم وجود داشته، امکان جمع آوری این قرآن‌ها وجود نداشته است.

**رابعاً:** اگر همه قرآن‌ها را هم جمع آوری کرده باشد، حفاظ کثیری بوده‌اند که قرآن در سینه آنها محفوظ بوده و امکان جمع آوری و از بین بردن آنها وجود نداشته است.

**خامساً:** اگر قرار بود که حجّاج بعضی از آیات مربوط به بنی امیه را از قرآن حذف کند چرا این کار توسط کسان دیگری از جمله یزید و امثال او انجام نشد؟ در حالی که هیچ جا گزارش نشده که غیر از حجّاج کس دیگری این کار را انجام داده باشد.

لذا در مجموع به نظر می‌رسد این احتمال هم باطل است. از آنچه بیان شد نتیجه گرفته می‌شود که قول به تحریف به هر یک از این سه احتمال که ذکر شد باطل است.

«والحمد لله رب العالمین»